

## دلیل در مورد امور جزائی در حقوق جزائی فرانسه

وقوع جرم قرار داده و استنباط شخصی خود را دخیل نموده و وجدان خود را حاکم قرار دهد با اینکه در باب مربوط به امور بکه هیئت منصفه در آن دخالت دارد تصریح گردیده معینا در مورد امور جنحه و خلاف نیز ساری و جاری است دیوان عالی تمیز در رأی مورخه ۲ سپتامبر ۱۸۱۳ چنین بیانی نموده است « بقیر از مواردی که قوانین مخصوص صورت مجلس های تنظیم شده در باب خلافیات را مادام که ادعای جعل بر آنها نشده است حجت قرار داده و رسمی میدانند قضات دادگاهها بایستی رأی خود را طبق استنباط شخصی و وجدان خود داده و اثری که تحقیقات در آنان میکنند ملاک عمل قرار دهند » این بیان در رأی دیگری که صادر کرده است و مورخ بتاریخ ۲۸ اکتبر ۱۸۱۴ است نیز اشعار گردیده « در مورد امور جنحه و خلاف دادگاهها وظیفه اعضا هیئت منصفه را نیز انجام داده و نتیجه بجای اعضا مزبور تصصیر یا بی گناهی متهم را تصویب نموده و سپس قضاوت میکنند » رأی دیگری که در این موضوع صادر شده :

بیشتر لسان صراحت دارد و بشرح ذیل میباشد « وقتی که قضایائی بکه به متهم نسبت داده شده خواه جنحه باشد یا خلاف بعلمت نقضی که صورت مجلس های تنظیم شده دارد قانوناً کافی برای اظهار نظر نباشد در این مورد قضات وظیفه اعضا هیئت منصفه را از انجام میدهند و قانون در این موقع از قضات حساب نمیکند و آنانرا الزام نمیکند که کفایت دلائل را اثبات نمایند و قانون به آنان نیگوید که بایستی

و تا چه حد دلائلی که بر علیه منم اقامه شده و مدافعاتی که و کلاء مدافع کرده اند تأثیر دارد قانون به چه وجه اعضا هیئت منصفه را الزام نمیکند که بمحض اینکه يك یا چند نفر شاهد ادای شهادت کردند قضیه را ثابت بدانند و همچنین قانون به آنها نمیگوید که اگر صورت مجلس تنظیم شده برای اثبات جرم کافی نبود و شواهد و قرائن در صورت مجلس مزبور منعکس نشده بود وقوع جرم را مسلم ندانند فقط قانون يك سؤال بیش از اعضا هیئت منصفه ندارد و آن این است که « آیا یقین حاصل کرده اید یا خیر ؟ »

نکته ای که لازم است از زیر نظر خارج نشود این است که تمام مذاکرات هیئت منصفه مربوط به موضوع اتهام خواهد بود و فقط راجع به قضیه که مطرح مذاکره است در خصوص اتهام بایستی فکر کنند و از وظیفه اولیه آنان خارج است که بمقررات قانون جزا توجه نموده و از حیث عواقبی که ممکن است مجازات های مقرر درباره متهم داشته باشد و در اثر اظهار عقیده آنها اعمال خواهد شد فکر کنند وظیفه که قانون برای آنان مقرر داشته است نه تعقیب متهم است و نه مجازات متهم و فقط از این نظر قانون دخالت آنان را لازم دانسته است که اظهار نظر نمایند آیا متهم در موضوع اتهامی که به او نسبت میدهند مقصر است یا خیر ؟

۳ - دلیل در دادگاه جنحه و دادگاه خلاف - این قاعده که قاضی بایستی احساس رأی خود را روی یقین بر

و دارای شرایط ذیل باشد.

اولاً - تحقیقات بایستی حضوری علنی و شفاهی باشد  
ثانیاً - دلیل با صورتی که قانون مقرر داشته است تهیه شده باشد.  
۵ - مذاکرات حضوری علنی و شفاهی - مذاکرات  
جلوی دادگاه حضوری است بنا بر این بایستی اولاً طرفین  
در مقابل قاضی حاضر باشند و یا لا اقل برای حضور  
در جلسه احضار شده باشند ثانیاً طرفین نه فقط اختیار داشته  
باشند که وسایل دفاع خود را تهیه نمایند بلکه بتوانند در  
تمام عملیاتیکه مربوط به تحقیقات است حاضر شده در آن  
موضوع بحث نموده و مدافعه کنند به همین جهت قاضی  
بایستی روی تحقیقاتیکه در جلسه شده رأی داده و نمیتواند  
بر حسب نظریه و تحقیقات شخصی خود رأی داده و بگوید  
که از تحقیقات خارجی یقین حاصل نموده و نیز نمیتواند آنکه  
به معلومات شخصی خود کرده و بطور غیر عادی تحقیقات  
محلّی نماید.

بلك مثل کافی است که بما بفرمانند تا چه حد قانون به  
حضوری بودن مذاکرات و تحقیقات اهمیت میدهد و این  
قاعده را حفظ میکنند چنین گفته شده است که بلك دادگاهی  
نمیتواند تصمیم خود را متکی تحقیقات محلّی که در امر دیگری  
بعمل آمده است بنماید و همچنین نمیتواند نظریه خبره را  
که در موضوع امر دیگری صادر شده و در مذاکرات جلسه  
دخالت نداشته سند قرار دهد.

و نیز شهادت شهودیکه در سنخ جرمی که در جریان  
رسیدگی است ادای شهادت کرده اند ولی شهادت آنان نسبت  
به امر دیگری و متهم دیگری باشد نمیتواند ملاک حکم قرار  
داده شود چرا؟ آیا برای اینست که مثلاً شهادت شهود  
مستند تصمیم دیگری فرار گرفته است و در جریان محاکمه فعلی  
نمیتوانند مؤثر واقع شود؟ خیر هیچ منع قانونی ندارد به اینکه دلیل  
و مدرک از تحقیقاتیکه در امر دیگری انجام شده است استخراج  
و مستند قرار داده شود و لکن بایستی مدارک مزبور در  
جلسه محاکمه تحت نظر قرار داده شده و راجع بآن بحث شود  
و این اصل رعایت گردد.

قضایاتیکه عده معینی از شهود شهادت داده اند صحیح فرض  
کنند یا اینکه اگر فلان عده شاهد در قضیه شهادت ندادند  
یا فلان فریضه قائم نشد بایستی دلائل را کافی دانست فقط  
بایستی تأثیری که تحقیقات در ذهن آنان کرده است ملاک  
عمل قرار گرفته و وجدان قاضی حاکم باشد رویه قضائی  
دیوانعالی تمیز تاکنون در این موضوع تغییر نکرده است رای  
مورخه ۱۸ فوریه ۱۸۹۲ چنین اشعار داشته است:

« در امور جزائی وقتیکه قضیه فقط باصورت مجلس  
تنظیم شده اثبات نمیشود قضات بایستی مثل اعضاء هیئت  
منصفه اصل حصول یقین را در نظر گرفته و مقررات ماده  
۳۴۲ اصول محاکمات جزائی را اجرا نمایند و از روی  
تحقیقاتیکه بعمل آمده قضات نموده و وجدان خود را حاکم  
قرار میدهند » و همچنین رأی مورخه ۴ اوت ۱۸۹۳  
چنین بیان نموده « وقتیکه قضیه که امر خلافی را تشکیل  
میدهد بوسیله صورت مجلس های کشف جرم که صحیحاً  
تنظیم شده باشد اثبات نشود قاضی بایستی طبق وجدان خود  
رای صادر کرده و میتواند توضیحاتی که داده شده قبول نموده  
یا رد کند خواه توضیحات مزبور را متهم داده باشد یا  
مدعی العموم » و بالاخره در آخرین رای خود دیوان تمیز  
چنین بیان نموده « ارزش شهادت شهود که در جلسه محاکمه  
ادای شهادت کرده اند با قاضی است و سنجش میزان اهمیت  
دلائل با خود قاضی است و وجدان او حکومت مینماید »  
بنابر این چه در دادگاه جنحه و چه در دادگاه خلاف  
کافی است که قضی متقاعد شود که متهم مقصر است یا خیر

۲ - حصر قاعده حصول یقین

الف - عناصر حصول یقین برای قاضی

۴ - قاعده - آزادی قاضی در استنباط شخصی و با  
آزادی اعضاء هیئت منصفه دارای حدودی است بالاخره قضات  
و با اعضاء هیئت منصفه بایستی عناصر یقین و اطمینان قلبی  
خود را از تحقیقاتیکه جلوی آنان بعمل آمده است تحصیل  
کنند تحقیقات مزبور بایستی بطور عادی انجام شده باشد